

صدا

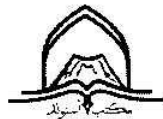
ترجمہ

دستہ محبہ مشتری، فرشتہ اقبال قہیازی

ہنرمندان ہمراہ ترجمہ:

استاد ہادی کفیل افشار، بہداد شیرینی مطلق، بہروز مظاہری، حسن بہتری، صدرا کفیل افشار

وسیاک جاوید



سرشناسه: عباسی، حیدر، ۱۳۲۲.

عنوان قراردادی: سَس: فارسی:

عنوان و نام پدیدآورندگان: صدا/ [حیدر عباسی]؛ ترجمہ محمد مشتری، فرشتہ اقبالی قہازی.

مشخصات نشر: مراغه مکتب استونند، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۴۵ ص.

شایک: ۸۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۵-۱۵-۵

فہرست نویسی : قیبا.

موضوع: شعر ترکی - - ایران - - قرن ۱۴ - - ترجمه شده به فارسی.

موضوع: شعر فارسی - - قرن ۱۴ - - ترجمه شده از ترکی.

شناسه افزوده: مشیری، محمد، ۱۳۵۹-؛ مترجم.

شناسه افزوده: اقبال قهیازی، فرشته، ۱۳۶۴-؛ مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۵۰۲۵۱۳۹۵ س ۲۲ PL رده‌بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۱ شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۰۶۹۰۳



ترجمہ «سنن» اثر امام تاد حید عباسی

مترجمین: دکتر محمد مشتری، فرشته امالی و مازی

مقدمه: دکتر مهدی اکبری

ویراستار و صفحه‌آرا: فریده جهان‌دیده

طراح گرافیک: بهداد شریفی مطلق

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۵-۱۵-۵

انتشارات مکتب اسنوند (مراغه) چاپ پیشگام

مرکز پخش: مراغه / فرهنگسرای سرو / ۳۹۴۹۹۴۷۳۷۴۱۰۴ / ۴۱۰۲۴۰۲۶۳۹۴۱۰۴

قیمت: ۸۰۰۰ روپيا

|          |                                                                            |
|----------|----------------------------------------------------------------------------|
| ۱.....   | پیشگفتار                                                                   |
| ۵.....   | مقدمه (دکتر مهدی اکبری)                                                    |
| ۱۱.....  | سرآغاز                                                                     |
| ۱۵.....  | صدا                                                                        |
| ۱۹.....  | صدا                                                                        |
| ۲۳.....  | ویار تازه عروس (سیاهی)                                                     |
| ۳۱.....  | نوای چشمه صدا                                                              |
| ۳۵.....  | مهر سکوت به پیکر صدا                                                       |
| ۴۱.....  | سکوت و بی صدایی باید نگویند انگشت دلها شود                                 |
| ۴۳.....  | طوفان، داروغه قلدر درانه در حال یکّه تازیست                                |
| ۴۵.....  | گورستان صدا                                                                |
| ۴۷.....  | بوته سکوت                                                                  |
| ۴۹.....  | صدا در گلو مانند قلوه سنگی گیر می کند                                      |
| ۵۳.....  | سیاهی، سبک سرانه قدرت نمایی می کند                                         |
| ۵۵.....  | غده چرکین سکوت دیگر نیست بر نمی دارد                                       |
| ۵۷.....  | کلید خفقان و سکوت                                                          |
| ۵۹.....  | عاقبت، صدای کوبه درب صدا به گوش خواهد رسید                                 |
| ۶۵.....  | زمان                                                                       |
| ۷۱.....  | درخت توت استوار و ایثارگر                                                  |
| ۷۷.....  | ساز متبرک به صدای سخن - بهار متبرک شده به شکوفه های بهاری                  |
| ۸۳.....  | زخمه                                                                       |
| ۸۵.....  | سرانجام                                                                    |
| ۹۳.....  | داستان تمام نشدنی!!                                                        |
| ۹۵.....  | شب مهتابی - راه شیری                                                       |
| ۹۸.....  | پی نوشت (ابن الوقت - بابا - صاحب وقت، زمان و حال)                          |
| ۱۰۱..... | پیوست شماره ۱ (معرفی استاد حیدر عباسی به قلم دکتر مهدی اکبری)              |
| ۱۰۵..... | پیوست شماره ۲ (بشنو یعنی ...!!!، مقدمه و شرح مختصر مثنوی - باشلایش یثرینه) |

|                                                                         |     |
|-------------------------------------------------------------------------|-----|
| پیوست شماره ۳ (مقاله کارکرد تصویر در متون - رابعه صدا: خسرو باقری)..... | ۱۱۴ |
| پیوست شماره ۴ (روایت سنن به صدای تصویر).....                            | ۱۲۰ |
| یادداشت:.....                                                           | ۱۳۴ |

## «بِسْمِ الْعَظِيمِ وَالْعَظَمِ ...»

## «یا حکیم»

بعد از ترجمه اثرهای "کعبه" و "اودوملودیرک" از آثار استاد حیدر عباسی، به زبان فارسی، اندیشه فخیم باریشماز که سترگی خاصی را حامل است، با زحمات مترجم محترم<sup>۱</sup> - نه فقط به عنوان مترجم، بلکه به عنوان خواننده‌ای وفادار و فهیم، از کثرت غور در حجم آثار استاد - نقشه راهی را در مقدمه و بخش آغازین ترجمه کعبه و قانلی اذان "دل در دل" و اثر جاوید "اودوملو دیرهک" با ترجمه زیبایی به نام "گیر و خنجر" برای آثار استاد ارائه می‌دهد که شاه‌کلید خواندن و واژه‌شناسی و نیز سنگ‌نشان گذاری در آثار استاد حیدر عباسی است. ترجمه‌های مذکور نمایانگر آشنایی گسترده مترجم با رمان‌های بزرگ دلا و شاه‌اثرهای ایرانی است و به همین واسطه، جهت فهم اثر استاد، ترجمه خود را با مفاهیم کلیدی این آثار، فولکلور فخم بومی درآمیخته و سعی دارد حق اثر را ادا نماید. همراهی شرح و مقدمه جناب آقای دکتر مهدی کبری نیز در تکمیل تلاش مترجم دو اثر مذکور، پنجره تأویل منحصر به فردی را به روی خواننده سرگشاید. اثر حاضر که اکنون تقدیم خوانندگان فهیم می‌گردد، در ادامه ترجمه‌های فوق‌الذکر است.

سألهاست که حیدر شهر ما دستور اِقْرؤُوا، اِسْمَعُوا، اُكْتُبُوا اِفْهَمُوا را به جان نبوشیده و اسفار اربعة خویش نموده است و حال، در سفر آخر، خلق را با کتابت خویش به «نون و القلم» و سرخی خون حرای اندیشه‌اش<sup>۲</sup> بر روی دریا<sup>۳</sup> به سمت مهدی وجود رهنمون است و «میر فیض روح القدس مدد فرماید به سمت قاف و عرش اعلی ترسیم راه می‌نماید اما نه به رهبانیت و عرافت،<sup>۴</sup> بلکه با فتوای «كُنْ مَعَ النَّاسِ وَلَا تَكُنْ مَعَهُمْ»<sup>۵</sup> از میان خلق با خلق، تا رَبِّ وَاللّٰهِ خَلَقَ؛ که «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ»<sup>۶</sup>.

۱- آقای علیرضا اقبالی قهپازی. ۲- رک: دل در دل، اقبالی قهپازی، علیرضا، مراغه، مکتب اسنوند، ۱۳۹۳، صص ۱۲، ۱۶ و ۵۵؛ نیز: کعبه و قانلی اذان، عباسی، حیدر (باریشماز) تهران، هما، ۱۳۷۹، بند ۵۷ و ۵۸. ۳- کلمات شیخ ابوالحسن خرقانی: «بر همه چیزی کتابت بود، مگر بر آب. اگر گذر کنی بر دریا، از خون خویش بر آن کتابت کن.» (کیمیا ۵، دکتر حسین الهی قمشه‌ای، تهران، روزنه، ۱۳۸۲، ص ۴۶۹. ۴- پیامبر اکرم (ص): «لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ وَلَا سِمَاخَةٌ وَلَا زُمْ يَغْنَى سُكُوتٌ.» (بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، تهران، اسلامیه، جلد ۶۷، ص ۱۱۵. ۵- حدیث از علی (ع) رک: مفتاح السعاده فی شرح النهج البلاغه، قائمی خراسانی، محمدتقی نقوی، تهران، مکتب المصطفوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۹. ۶- ۶- ←

آثار استاد، سلوک‌نامه‌ایست در زمان و زبان عصر حاضر، که بشر و انسان را از تجربه «بودن» تا «شدن» در مقام اکرام آدم مقیم می‌کند. سنن (صدا) نیز از این قائده مستثنی نیست و بالأخص ایجاز و اعجاز و نیز تصویرسازی که یکی از ویژگی‌های قلم باریشماز می‌باشد، همانند سایر آثار ایشان چون: «گولنده هر زمان» و «دووارلار» و ... هم‌نشینی و قرابت جمال و جلال است برای ظهور و بروز کمال، با عبرت و دعوت به تطوّر عقلی با عبور از منازل تدبّر، تفکّر و تعقّل. همچنین طرح مسئله حقیقت باطنی دینی «انتظار» و علت و جرایبی قسم عصر و زمان «والعصر...» را به ترجمه «وقت» و «آن» «ذلک»، مطرح نموده، نیز محک و الگویی بر منجی و فادی درون و برون، همانند طرح‌واره دینی پیامبر درونی و بیرونی، پیشکش فهم و اندیشه‌ها می‌نماید.

در این داستان، عنصر به نام «زمان» وجود دارد. در توضیح موضوع، همین بس که در آیین کهن خردورزان فتوت پیشه، به ندری است. در سلوک، به نام «پیرنظر» که «زمان» و «وقت» و «آن» در ذات نظر کیمای‌شان بر خاک و سر و بود و نبود موقوف است (آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند...)، استاد عباسی نیز با تکیه بر همین دین و روش که همواره در آثارشان مفهوم «زمان» گوشزد شده و کلید واژه بیان ایشان در این موضوع می‌باشد؛ از خواص سرفرازی بنیادین مفاهیم اصیل معرفتی، تعریفی به عرف فهم حاضر تبیین می‌نماید. همچنان‌که مرحوم شبستری (ره) نیز به اشاره و رمز می‌فرماید:<sup>۱</sup>

|                           |                            |
|---------------------------|----------------------------|
| بسی گفتند از عیسی و مهدی  | مجتبایان و هم عیسای عهدی   |
| ز مهدی گرچه روزی چند پیشی | بکش ده سال خود مهدی خویشی  |
| ...                       | ...                        |
| خوشا بخت کسان عهد مهدی    | خوشا آن کودکان عهد مهدی    |
| ز علمش خلق عالم علم گیرند | ز دیش مشرکان هم دین پذیرند |
| همه یک طبع گردد خلق عالم  | نمانند کفر در اولاد آدم    |

← پیامبر اکرم (ص): «الخلق عيال الله فأحبُّ الخلق إلى الله من نفع عيال الله وأدخل على أهل بيت سروراء الكافى، نقة الاسلام کلبی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۱۶۴. ۱- کنزالحقایق، منتسب به شبستری، شیخ محمود، به کوشش میرزا آقا مهاجر مؤنّد، تهران، مطبعة علمى، ۱۳۵۳ق، ص ۵۷، در شناخت مهدی (عج) و شرح حضرت مهدی (عج).

... آن صاحب‌نظران چو حال ما دیدند، بدینسان طریق خویش نمودند که: «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ».<sup>۱</sup> همان کسانی که قرآن کریم در موردشان می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».<sup>۲</sup> (آری کسانی که ایمان آورده و از وطن مالوف) مهاجرت نموده و در راه خدا با اموال و جان‌های خود مجاهدت نمودند نزد خدا از نظر درجه و منزلت بزرگ‌ترند، و ایشان، آری تنها ایشانند رستگاران). آنها، در هستی ما، خالِ نماد وحدتند، به دنبال صورت تجلی (وحدت در کثرت).<sup>۳</sup>

به هر رو، الهامیت در این سیر و کتابت اندیشه، نورِ انورِ جان در کعبه الحان، به دور از بت شدن - که هر کس در داخل کعبه ماند و اقامت گزید، بت گشت - همراه این تکاپو بوده است؛ شریف‌وار و شهاب صفت. منو به نورِ انورِ رحمن، به امید مهدی جان، دوستان و همراهانی همسفر این طریق بوده‌اند و نقشی بر خارِ راه زدن و نام خویش را در صحیفه فهم آثار استاد به معنا ثبت نموده و با ارادت و صداقت، همراه با وفاداری و ممانعت، در اوج تبلور و ظهور اندیشه باریشماز، عاشقانه وقت و زمان را قاصد و حامل اندیشه مکتوبات با بشماز نمودند.

اما در خصوص روش برگردان و محتوای اثر حاضر، ابتدا در ارائه الگویی نوین با تأکید بر کار و عمل گروهی و جمعی به حکم سفر چهارم اسفار باریشماز (هموا) در رسیدن به فهم مشترک از اثر - هرچند مبتدی و با قصور و کسور فراوان - سعی نموده‌ایم که هر دلیلی از هم زبانی خوشتر است). امید است جناب استاد و خواننده محترم، کوتاهی ما را در این اثر، به دینا، در یاد خویش ببخشایند. مبنا و اساس ترجمه، به روش استنباط از مقدمه شرح و ترجمه مثنوی معنوی به نام "شرح انور" است که خود استاد، سبک و چگونگی ترجمه و شرح انور را بیان می‌نمایند.<sup>۴</sup> بر این اساس، پایه ترجمه و مفهوم تأویلی منظومه "سُس" را بر شیوه و هرموتیک حاصل از شعر «باشلانش یثینه» قرار دادیم که

۱- الکافی، ثقة الاسلام کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰. ۲- سورة مبارکه نوبه، آیه ۲۰. ۳- نقطه رمز وحدت است: «سرالکتب المنزله فی القرآن و سرالقرآن فی فاتحه الكتاب و سر فاتحه الكتاب فی بسم الله الرحمن الرحیم و سر بسم الله الرحمن الرحیم فی نقطه تحت الباء و أنا نقطه تحت الباء». (بیان الآیات، نجفی جیلانی، شیخ یوسف، رشت، مطبعة عروۃ‌الوقت، ۱۳۳۱ ق، ص ۳۳). ۴- رک. صفحات الف تا ح جلد اول شرح انور، به قلم استاد.

خوشبختانه استاد به هردو زبان ترکی و فارسی در مقدمه شرح مثنوی به عنوان کلید ورود، تلخیص و فاتحه‌الکتابی بر شرح مثنوی آورده است<sup>۱</sup> که در منظر نظر شنیدن، شکایت‌نمی‌ایست بر حکایت جدایی‌ها در مثنوی معنوی.

اما در این میان دوستانی هم‌پا در ارائه «هنری» از فهم خود از ترجمه حاضر، همراه ما بوده‌اند که حضورشان غنیمی است و اثرشان نعمتی، از کاستن شرمندگی قصور و کسور ما. پس به حکم و دستور شکر، از حضرت شاکر شکور، کمال امتنان و تجدید احترامان را از استاد هادی کفیل افشار و هنرمندان عزیز: بهداد شریفی مطلق، بهروز مظاهری، خسرو باقری، صدرا کفیل افشار و نیز سیامک جاوید، اعلا، داشت و جرعه‌نوش هنرشان هستیم.

شایان ذکر است مجموعه آثار هنری آورده شده از آغاز تا انجام این مکتوب به صورت هنر معناگرا (Conceptual Art)، که خود توانایی است معناگرایانه از داستان سس (صدا)، همراه با ترجمه فارسی، در صدد ارائه این منظر تأویلی از آثار استاد سید عباسی است؛ که غالباً هر یک از آثار ایشان خواه، خواسته و یا ناخواسته علاوه بر رویکردهای اجتماعی-عرفانی، آیین مفهوم حرکت و غلیانی است درونی و شخصی، که همواره بشر در درون و نزد خویش در مسیر انسان شدن با این چالش و غلیان روبروست.

در خاتمه بر خود فرض می‌دانیم، از زحمات آقای داود ادهی، مدیر و مسئول محترم فرهنگسرای سرو و انتشارات مکتب آستوند و همراهی دکتر مهدی مؤمنی که دل‌فروشی و تشکر را داشته باشیم...

«هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»

۸ دیماه ۱۳۹۴ - ۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۷

مصادف با ولادت نغمه‌سرای نوای نور؛ احمد، محمد مصطفی (ص) و صادق آل محمد (ع)

محمد مشتری - فرشته اقبالی قهبازی

بسم الله الرحمن الرحيم

سکوت زیباست و سرشار از ناگفته‌هاست. سکوت پایان‌نامه کلاس هیاهوست. سکوت بعضی تریکیده بی‌محاباست. اما اگر به طول تاریخ و به عرض و عمر انسان‌ها طول بکشد، زندانی است. بخوف و اختناق است درهم‌تنیده با استبداد و استعمار و شاید استعمار.

کتاب "سی" که همان صداست دومین ناله بشنو تاریخ است. آن یکی می‌گوید: «بشنو از نی چون شکایت می‌کند». هر یکی دنبال زخمه‌ای برای به صدا درآوردن توت پیر است. زمان می‌گذرد؛ سر و رویش سفیدتر از دیروز می‌شود و در فضایی که صدای بال پرندگان هم بی‌صداست و هم گریه بچه‌ها بی‌صداست و هم ناله دردمند پیران بی‌صداست و هم پیچ‌عاشقانه نوحه‌روس با تازه‌دامادش بی‌صداست. نمی‌توان اسمش را سکوت نهاد که نشان از ناگفته‌ها باشد. در آن فضا همه در کار خویش اند؛ هر گمان فکر می‌کنند که می‌نالند؛ خیال می‌کنند که فریاد می‌زنند؛ در وهمنده که صدا می‌شنوند. آن فضا، فضای خیال و گمان و وهم است که تنها صدا به غارت رفته است. صدها سال می‌گذرد. سکوت نه، بی‌صدایی امان همه را می‌برد. دل‌ها در طیش‌اند اما بی‌صدا. آن فضا، فضای آرام مرگباری است که در روی ژن‌های مردمانش مانند تقدیرشان نگاشته شده است که: صدا موقوف! که صدا توفیق! اما یک لحظه روبروی "بابازمان" نشستن و تمنا کردن و راه چاره خواستن، پیرزمان را که زیر درخت توت کهن‌سالی خانه دارد به بهترین گزینه رهنمون می‌سازد. پیرزمان اشارت به شهادت توت می‌دهد

و از تنهٔ سترگ آن، سازی به نام "قویوز" خلق می‌کند. چندین ماه سپری می‌شود و یک روز صبح، در حالی که همه و همه دور درخت به شهادت رسیدهٔ توت جمع شده‌اند "بابازمان" با وقار تمام، سازی به نام قویوز در دستانش قرار دارد و همه منتظر صدا هستند. هیچ‌کس باور ندارد که صدا، صدا کند. همه در بهت به سر می‌برند. ناگهان اولین زخمه بر زخم هزارساله کارگر می‌افتد و صدای اولین زخمه را بر روی تارهای زمان همه می‌شنوند و جشن بزرگ صدا به برکت ساز زمان در تمام ولایت به گوش همه می‌رسد.

مهدی اکبری

۹۴/۱۰/۲۴

ساعت ۱۱/۱۰ شب پنج‌شنبه